

پیوند تاریخی و فرهنگی تاجیکان با کشمیر

ضمیمه غفاراوا*

سرزمین ختلان زمین از دوران دور تاریخ به‌حیث یکی از مرکزهای نیرومند علم و فرهنگ اعتراف گردیده، این سرزمین زادگاه چهره‌های تابناک علم و ادبیات و سرزمین ظهور مکتب و نهضت‌های فکری شناخته شده است. قدمت تاریخی این منطقه به‌گسترش معارف و ادب فارسی در حوزه‌های مختلف آن در دوران گوناگون اشارت کرده است. از نظر دیگر، شهرت مخصوص تاریخی در انتخاب سرزمین ختلان برای مراجعت و مسافرت اهل نظر به این منطقه مؤثر بوده است. به‌شهادت سرچشمه‌های ادبی و تاریخی ادیبان و عارفان بی‌شماری در مسیر زندگی خود به این دیار سفر کرده، از فیض آب و هوای آن بهره‌یاب شده‌اند. وجود مزار مبارک یکی از پیشاهنگان عالم عرفان - میر سید علی همدانی ابن شهاب‌الدین محمد همدانی (۱۳۸۴-۱۳۱۴ ق) که در زمان خود در ایران با لقب «امیرکبیر» و «علی ثانی» و در هندوستان با نام «شاه همدان» مشهور گردیده است، سند مهم اثبات اندیشه‌های بالاست.

باید گفت که در ختلان دفن شدن میر سید علی همدانی و پسر و خویش و اقربایش زمینه‌های معین تاریخی دارند. به‌اتفاق مؤلفان سرچشمه‌ها، میر سید علی همدانی در نیمه اول عصر ۱۴ میلادی از همدان به ختلان می‌آید و در آنجا به تبلیغ اسلام و تصنیف آثار می‌پردازد. در این فرصت پیروان و مخلصان زیاد پیدا می‌کند و بعضی از آنها را به‌شاگردی قبول می‌نماید. خواجه اسحاق ختلانی از زمره آنهاست که بعدتر با دختر استادش عهد و پیوند زندگی می‌بندد. میر سید علی همدانی در این سرزمین

* استاد دانشگاه دولتی خجند تاجیکستان به‌نام آکادمیک باباجان غفوراف.

دیهه‌ای را خریداری نموده، در آن مسجد و مدارس و کتابخانه‌ای بنیاد کرده، همه آنها را وقف می‌نماید. مدت چند سال در ختلان اقامت داشتن میر سید علی همدانی، تربیت شاگردان از این محل، دختر خود را به‌فرزند ختلانی خانه‌دار کردنش و امثال این علی همدانی را به آن وادار می‌کند که او پیش از مرگ وصیت کند که نعشش را به ختلان برند. قابل تذکر است که پس از درگذشت امیرکبیر و در این دیار قرارگرفتن مدفن وی تشریف اهل دل به این جا بیشتر گردید و بی‌شک، زیارت مزار مقدس این بزرگوار وجه دیگر نفوذ مسافرت ادیبان و شاعران به این سرزمین شد. در این زمینه، مسافرت شاعران فارسی‌گوی هند به ختلان نیز جریان پذیرفت که شرف زیارت مزار میر سید علی همدانی را نیز می‌توان از وجوه اصلی سفر آنها به این سرزمین مقرر کرد. از جمله، تعدادی از سرچشمه‌ها به سفر یکی از سخن‌سرایان و دانشمندان شهر قرن ۱۶ هند، صرفی کشمیری به ختلان زمین اشارت نموده‌اند. او مدت سه ماه در مزار میر سید علی همدانی اقامت اختیار کرده بود. صرفی در «مغازیون نبی» نام مثنوی‌اش درباره مسافرت خویش به کابل، سمرقند، مشهد، بلخ، عربستان سعودی، ختلان و غیره به تفصیل سخن رانده، از آن جمله نوشته است:

مشرف شده این فقیر حقیر به طوف مزار امیر کبیر

(۱۵، ص ۶۳۹)

نباید فراموش ساخت که در شبه قاره هند و پاکستان صرفی کشمیری، قبل از همه، چون مرد فاضل و دانشمند و عالم متبحر ساحت تصوف شناخته شده است. سران شعردوست و ادب‌پرور زمان برای مطرح ساختن مشکلات شعر و عموماً معماهای ادبی دور به او مراجعت می‌کردند. در علم تصوف مرتبه بزرگ یافتن صرفی را به اعتبار گرفته سعید نفیسی او را «از مشاهیر صوفیه حنفیه قرن دهم» (۱۳، ص ۸۲۹) و «از مشایخ معروف صوفیه هندوستان» (۱۲، ص ۴۷۰) نام می‌برد. چنان‌که گفته آمد، عامل مهم سفر صرفی به ختلان باید محبت افزونش به شخصیت میر سید علی همدانی و عقاید او محسوب گردد. از نظر دیگر، اهل علم و ادب و فضلا و عرفای سرزمین هند به شخصیت و عقاید میر سید علی همدانی اخلاص و ارادت تمام داشتند و بی‌شک، صرفی کشمیری این انسان عارف، هرگز از این دایره بیرون بوده نمی‌تواند. این پیوند و

ارادت، پیش از همه، به خدمات‌های امیرکبیر در تبلیغ اسلام در سرزمین هند تکیه می‌کند.

چنان که تأکید شد، در اخبار تاریخی به ارادت مردم هند، خاصه سرزمین کشمیر

تعدادی از سرچشمه‌ها به سفر یکی از سخن‌سرایان و دانشمندان شهر قرن ۱۶ هند، صرفی کشمیری به ختلان زمین اشارت نموده‌اند. او مدت سه ماه در مزار میر سید علی همدانی اقامت اختیار کرده بود.

نسبت به امیرکبیر در همه زمانها اشارات فراوان رفته، علما و فضلاء این منطقه میر سید علی همدانی را بزرگترین شخصیت روحانی خطه کشمیر شناخته‌اند. ا. غفار او در رابطه به این مسئله نوشته است که: علی همدانی را «رهبر بزرگ کشمیر می‌نامند» (۲۳، ص ۶۴) و این، البته، بی‌سبب نیست، زیرا به قول دانشمند ایرانی مهدی درخشان او به کشمیر رفته، «خلقی را

میرید خود ساخت» (۸، ص ۸۳). محمد داراشکوه نیز در «سفینه‌الاولیا» به همین معنی تأکید فرموده است: «و ابتدای اسلام در کشمیر با برکات مقدم شریف ایشان (میر سید علی همدانی، ض.غ.) است. و امروز خانقاه ایشان (خانقاه معلی، ض.غ.) در کشمیر موجود است» (۷، ص ۱۰۸). جهت توضیح بیشتر مسئله اشارت چند نکته مربوط به سبب‌های اعتقادات مردم هند در زمینه مسافرت امیرکبیر به این سرزمین ضرور می‌نماید.

میر سید علی همدانی چندین بار به کشمیر مسافرت انجام داده است. بنا به معلومات «تاریخ حسن» او بار اول (سال ۱۳۷۲ م) در عهد سلطان شهاب‌الدین به همراه هفتصد نفر از خویشان و اقربا و مریدان و شاگردان وارد کشمیر شد، در محله علاء‌الدین پور فرود آمد و چهار ماه در آنجا اقامت داشت. آن وقت میان سلطان شهاب‌الدین و سلطان فیروزشاه تغلق جنگ عظیمی برپا بود. بنابر سعی میر سید علی همدانی که برای استقرار صلح در شهر فیروزپور با سلطان شهاب‌الدین ملاقات نمود، کار با صلح انجام یافت و ولایت پنجاب تا مرز سرهند تحت تصرف شهاب‌الدین محمد درآمد. (۲۶، ص ۱۷۳)

مسافرت دوم میر سید علی همدانی به کشمیر (سال ۱۳۷۹ م) در زمان سلطان قطب‌الدین صورت گرفت و مدت ۲ تا ۵ سال ادامه یافت. بار سوم (سال ۱۳۸۴ م) در

این دیار همگی چند روز توقّف نموده است و خلاص. م. سلطانزاده در این خصوص می‌نویسد:

”به عقیدهٔ ا.ا. سیمیان‌اف، میر سید علی همدانی شش سال و به‌گفتهٔ میرزا حیدر چهل روز و به‌قول خواجه اعظم دیده‌میری کشمیری سه سال در کشمیر زندگی کرده است. به‌فکر ما هر سه مؤلف هم به‌ناصحیحی راه داده‌اند... از مقایسه و مشاهدهٔ دلیل و سندهای سفر و زندگی میر سید علی همدانی به‌چنین خلاصه‌ای آمدن ممکن است که او در کشمیر و مضافات آن پنج سال اقامت ورزیده است.“

قابل تأکید است که این مسافرت میر سید علی همدانی پیوسته از جانب اخلاص‌مندان مورد پذیرایی قرار می‌گرفت. از جمله، سید محمد خاوری به‌مناسبت اولین مرتبه به‌کشمیر تشریف آوردن میر سید علی همدانی ابیات ذیل را هم در صفت و هم در مادهٔ تاریخ این سفر سروده:

میر سید علی شه همدان سیر اقلیم سبعه کرد نکو
 شد مشرف ز مقدمش کشمیر اهل آن شهر را هدایتجو
 سال تاریخ مقدم او را یابی از مقدم شریف او
 (۲۳، ص ۱۴)

باعث تذکر است که میر سید علی همدانی میان سلاطین و بزرگان این دیار نیز نفوذ مذهبی زیادی داشت. حکمرانان کشمیر - سلطان شهاب‌الدین و سلطان قطب‌الدین از مریدان او گشتند. محض، با توصیه او سلطان شهاب‌الدین در سرینگر مسجد جامع بنا کرد. سلطان قطب‌الدین نیز زیر راهنمایی او عمل می‌کرد و هریک امرش را با دل و جان به‌جا می‌آورد. با شنیدن خبر ورود میر سید علی همدانی به‌سرزمین کشمیر او با امرای مملکت برای پیشوازش از شهر بیرون رفته، با کمال احترام استقبال نموده و در محلهٔ علاء‌الدین‌پور منزل شایانی برای اقامت او تهیه کرد. صفهٔ مربعی برای او در کشمیر آراسته بودند. سلطان قطب‌الدین با اخلاص و آداب محبت و ارادت هر روز به‌خدمتش می‌رفت، از صحبت‌هایش بهره‌ور می‌گشت و همهٔ نصیحت‌ها و توصیه‌های او را به‌اجرا می‌آورد. لباس هندوان که تا آن زمان بر تن می‌کرد، کنار گذاشت و از دو خواهر که در ازدواج وی بوده‌اند، یکی را طلاق داد. (نک: ۲۶، ص ۱۷۳)

در رابطه به مناسبات میر سید علی همدانی با امرای متذکره نقل و حکایات زیادی در سرچشمه‌ها آمده که همگی به ارادت تمام ایشان نسبت به این عارف نام‌آور اشارت دارند. از جمله آن اقوال این است که وقتی علی همدانی کلاه مبارک خود را برای سلطان قطب‌الدین عطا نمود، سلطان آداب قبول آن را به‌جا آورده، آن را به‌سر خود نهاد و این سنت تا آخر سلطنت خانواده شاهمیریان ادامه یافت. تا آن دمی که با خواهش سلطان فتح شاه کلاه علی همدانی در کفن او پیچانیده شد (۱۵۱۶)، سلاطین شاهمیری کلاه او را به‌سر می‌نهادند (۶، ص ۲۰۶؛ ۱۶، ص ۷۳؛ ۲۴، ص ۲۴؛ ۹، ص ۱۱-۱۰).

میر سید علی همدانی چندین سال حیاتش را در کشمیر گذرانیده، سلسله مرتب عرفانی را در این سرزمین به‌وجود آورد. با دستور او مدرسه‌ها و مراکزهای تعلیمی اسلامی در هر دیهه تأسیس یافتند. از آن جمله، اولین مدرسه اسلامی با نام «مدرسه القرآن» نیز بنا کرده اوست که در آنجا علوم اسلامی و زبان‌های عربی و فارسی درس داده می‌شد. در مدرسه مذکور شیخ سلیمان که قبلاً هندو بود و به‌ارشاد و هدایت شاه همدان به‌دین اسلام روآورده، به‌آموزش «قرآن» توجه ظاهر نموده بود، به‌تحصیل پرداخت و پس از آن همچون یکی از مفسرین نامور «قرآن» در سرزمین هند شناخته شد. در عهد سلطان سکندر نیز یک مدرسه اسلامی تأسیس یافت که از سبب در نزدیکی مسجد جامع قرار داشتند با نام مدرسه مسجد جامع مشهور گشت. در آن مدرسه میر محمد علی بخاری، ملا محمد یوسف کشمیری، ملا صدرالدین کاشی، مولانا سید حسین منطقی و غیره به‌تدریس مشغول بودند. همچنین، در این دوره جمال‌الدین مدهوش نیز که با همراهی امیرکبیر به‌کشمیر آمده بود، «عروة الوثقی» نام مدرسه‌ای را برپا کرد. (۱۹، ص ۴۵)

از شیوه دیگر کار امیرکبیر آن بود که مبلغان و واعظان متعدّد را تعلیم داده، آنها را به‌نقاط گوناگون کشمیر اعزام می‌کرد، تا این که مردم را به‌تعلیمات اسلام آشنا نمایند. شاگردان میر سید علی همدانی در سرتاسر کشمیر خانقاه و مدرسه‌ها برقرار نمودند. چنان‌که، سید محمد قریشی در به‌جاره مقیم گشته، آنجا یک مسجد کلان برپا کرد. سید جلال‌الدین عطایی در موضع شیرپرگنه سکونت نموده، در همانجا تعلیمات اسلامی را پهن نمود. حضرت سید کمال در درپن شهر به‌کارهای تبلیغاتی شغل ورزیده و حضرت

میر رکن‌الدین و سید فخرالدین با امر میر سید علی همدانی در موضع اونپور سکونت اختیار نمودند. جمعی از سادات ایرانی، چون سید تاج‌الدین و سید حسین سمنانی، سید مسعود و سید یوسف که در آن سفر مبارک ملازم خدمت شاه همدان بودند، در کشمیر ساکن شدند.

در برابر این خدمات‌های بزرگ، میر سید علی همدانی که بیشتر کتابهای عربی و فارسی خود را به کشمیر آورده بود، آنجا کتابخانه بزرگ خود را تأسیس داد که به شایستگی مورد استفاده و استقبال مردم آن دیار قرار گرفت. (۲۵، ص ۳۷)

در مدارس متعدد دیگری که در آن زمان در شهر و دهات مهم کشور بنیاد گشت، تعلیم زبان فارسی آغاز گردید (۱۹، ص ۴-۴۳؛ ۲۵، ص ۴۲). فعالیت میر سید علی همدانی در کشمیر که برای تعلیم و تبلیغ دین اسلام به این سرزمین قدم گذاشت و مردم این خطه را مورد هدایت قرار داد، برای در کشمیر منتشر گردیدن زبان فارسی نیز زمینه خوبی فراهم آورد. همزمان با ترویج و گسترش کامل دین مبین اسلام در کشمیر زبان و ادبیات فارسی که خود وسیله تبلیغ فرهنگ اسلامی در این سرزمین محسوب می‌گشت، خیلی تکامل پذیرفت.

شایان یادآوری است که وقتی میر سید علی همدانی در سال ۱۳۷۲ م به کشمیر تشریف آورد، مردم این خطه با زبان فارسی آشنایی داشتند و شعر فارسی نیز در این دوره رواج یافته بود و چنان‌که قبلاً هم تأکید شد، سید محمد خاوری نام شاعری تاریخ ورود او را به این زبان منظوم ساخت (۱۶، ص ۵۲). اما در نتیجه فعالیت عارفان بزرگ - میر سید علی همدانی، سید جلال‌الدین، میر محمد علی همدانی، میر شمس‌الدین عراقی و دیگر سخنوران و دانشمندان فارسی‌زبان، زبان فارسی در سرزمین کشمیر نفوذ بلند یافته، به حلقه خاص و عام درآمد، توسعه و رشد یافته، در محافل ادبی محبوبیت تمام پیدا کرد و به تدریج همچون زبان کارگزاری و علم و ادب مقام زبان فرهنگی کشور را به دست آورد. در این زمینه قید یک نکته ضرور است که محض پندیتها برای ترویج زبان فارسی در کشمیر خدمات شایسته‌ای به سامان رسانیده‌اند. نخست آنها به تحصیل و آموزش زبان و ادبیات فارسی گام برداشتند و به این زبان آزادانه حرف می‌زدند. (۱، ص ۲۸)

در این دوره زبان فارسی بین هندوان کشمیر نیز رواج کامل یافت و در این راه میر سید علی همدانی کوشش زیاد به خرج داد. او می‌خواست که زبان فارسی به‌حیث زبان

در نتیجه فعالیت عارفان بزرگ - میر سید علی همدانی، سید جلال‌الدین، میر محمد علی همدانی، میر شمس‌الدین عراقی و دیگر سخنوران و دانشمندان فارسی‌زبان، زبان فارسی در سرزمین کشمیر نفوذ بلند یافته، به‌حلقه خاص و عام درآمد.

معاشرت خلق‌های غیرمسلمانی نیز باشد که در کشمیر سکونت داشتند. در ظرف آن مدتی که میر سید علی همدانی در کشمیر اقامت داشت، با برهمنان آنجا مباحثه و مناظره‌ها برگزار می‌نمود و در پرتو هدایت او ایشان گروه گروه به‌دین اسلام روی می‌آوردند.

اما رواج زبان و ادبیات فارسی در کشمیر از آن نیز وابسته بود که شهاب‌الدین

(۱۳۷۳-۱۳۵۴ م)، قطب‌الدین (۱۳۸۹-۱۳۷۳ م)، سکندر (۱۴۱۸-۱۳۸۹ م) و خصوصاً زین‌العابدین (۱۴۷۰-۱۴۲۰ م) بر این سلاطین علم‌دوست و ادب‌پرور شاهمیری به‌زبان و ادبیات فارسی توجه بی‌اندازه داشتند و برای گسترش آن در کشمیر سعی فراوانی به‌خرج دادند. همچنین، اهل علم و ادب فارسی را که از مراکز اسلامی آن دوره به‌مانند هرات، مرو، بغداد و سمرقند و بخارا رو به‌کشمیر نهادند، تقدیر و پذیرایی می‌نمودند. از تشویق و حمایت سلاطین سخن‌شناس و ادب‌پرور کشمیر برخوردار شده، گروه گروه نمایندگان علم و ادب از ورارود و ایران جانب کشمیر رهسپار شدند و وجود آنها بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیر عمیق گذاشت. (ص ۱۹-۱۲)

محض در دوره حکمرانی سلطان شهاب‌الدین زبان فارسی چون زبان رسمی دولتی اعتبار زیاد پیدا کرد. چون که در مدارس دینی در برابر تعلیم علوم مذهبی تدریس زبان فارسی گواه آن بود که امرا به‌مسئله ترویج زبان فارسی اهمیت بی‌اندازه ظاهر می‌نمایند. راجع به‌این مسئله نیز دانشمندان و مؤرخان نظرات خویش را بیان نموده‌اند. عبدالقادر سروری عهد سلطان قطب‌الدین را «زمان ارتقای زبان و علم و ادب فارسی در کشمیر» می‌نامد (ص ۱۹، ص ۴۴). به‌همت این سلطان که به‌شعر و ادب علاقه وافری داشت و به‌فارسی شعر هم می‌گفت، کتابخانه‌ها و مدرسه و خانقاه‌ها برپا گردید. دارالعلومی که

او تشکیل نمود، تا عصر ۱۹ تعلیمگاه اساسی علم و ادب فارسی در این سرزمین به‌شمار می‌رفت. (۱۹، ص ۴۴)

وابسته به‌این، نفوذ زبان فارسی در این سرزمین زبان تمدن باستانی هند قدیم - سانسکریت را که از زمان حکمرانی کنیشکا (ا. ۱ م) سر کرده، در زمان حکومت راجه‌های کشمیر (ا. ۱۴-۷) و برای یک دوره معین در عهد سلاطین شاهمیری (ا. ۱۴) زبان رسمی این سرزمین بود (۱۱، ص ۲۸۹؛ ۱، ص ۲۶-۱۰۵؛ ۲۱، ص ۴۷-۱۷؛ ۲۲، ص ۱۲۸) و طول عصرها سخن‌سرایان کشمیری چون کشیمیندره (ا. ۱۱)، سامدیوه (ا. ۱۱)، کلنه (ا. ۱۲)، بهمه (ا. ۶)، اندهوردهنه (ا. ۱۱)، ابهینوگوپته (ا. ۱۱)، بهسکر، سامنده، اتیلچریه و دیگران اثرهای گرانبهای دینی و فلسفی و علمی و ادبی به‌این زبان تألیف نموده و با میراث گرانبهای خود خزینه علم و ادبیات هند قدیم را ثروتمند و غنی گردانیده بودند، از بین برد. در زمان سلطان شهاب‌الدین (۱۳۷۳-۱۳۵۴ م) زبان سانسکریت کاملاً جای خود را به‌زبان فارسی داد. (۱۹، ص ۴۳)

اگر چندی زبان فارسی به‌کشمیر تنها در قرن ۱۴ وارد گشته، در اینجا موقعیت خیلی قوی پیدا نمود، در طول شش قرن گذشته از این خطه آن‌قدر عالم و شعرای فارسی‌گو برخاستند که تاریخ چنین ادوار پربار معنوی را کم در خاطر دارد. مردم کشمیر از میراث ادبی گذشته خود جدا شده، به‌دستاوردهای ادبی «فاتحان» انس گرفتند. گسترش زبان فارسی و تجلی وی آنچنان به‌پایه بلندی رسید که حتی پندیت‌های کشمیر آن را چون زبان علمی و ادبی اختیار نمودند و بعضی کتب دینی خود را هم به‌زبان فارسی می‌نوشتند. در این زمینه، همچنان که لاهور را «اصفهان ثانی» و «غزنین خرد» می‌گفتند، کشمیر را «ایران صغیر» می‌نامیدند. این افتخار بزرگ در مسیر تاریخ فقط نصیب کشمیر شده است و این بی‌سبب نیست، زیرا به‌قول خواجه عبدالحمید عرفانی:

”در تاریخ دنیا کمتر نظیر دارد که یک ملت به‌وسیله تدریس و تعلیم، زبان خارجی را یاد بگیرد و در آن زبان آثار پرارزش مثل کشمیری‌ها به‌یادگار گذارد.“

(۹، ص ۴۷)

علاوه بر این، محض به‌شرافت دانشمند و عارف نامور میر سید علی همدانی و عرفای دیگر کشمیر را همچون مهد تصوف و عرفان شناخته‌اند. طوری که در بالا تأکید

شد، برای به‌مقام بزرگ رسیدن خدمت بزرگ تاریخی بردوش عرفای نام‌آوری، چون میر سید علی همدانی افتاده بود که مردم این خطه را مورد هدایت قرار دادند. مدتی در

کشمیر زیستن و به‌ارشاد اشتغال ورزیدن میر سید علی همدانی از عصر ۱۴ این سرزمین را در تربیت و رشد شخصیت‌های عرفانی ممتاز گردانید. از بس‌که فضای معنوی کشمیر از فیض و رایحه عرفان وحدت‌الوجودی معطر گشته بود، این فیضان معنوی ناگزیر در آینه شعر نیز متجلی شد. در کنار غزل و قصاید عرفانی مثنوی‌ها و داستان‌های عارفانه هم عرض وجود کردند که

در این دوره زبان فارسی بین هندوان کشمیر نیز رواج کامل یافت و در این راه میر سید علی همدانی کوشش زیاد به‌خرج داد. او می‌خواست که زبان فارسی به‌حیث زبان معاشرت خلق‌های غیرمسلمانی نیز باشد که در کشمیر سکونت داشتند.

«بحرالعرفان» اکمل بدخشی، «عین‌العرفان» عبدالوهاب نوری، «نورالانوار» محمدافضل سرخوش، «عدة‌اللقاء» و «کنز‌العشق» شیخ محمد چشتی‌زاده و، «تنبيه‌القلوب» حبیبی، مثنوی عرفانی در موضوع محلی گفته کامل بیک بدخشی با نام «کنندن» از جمله آنها به‌شمار آمده، هر یکی در مقام معین ادبی و عرفانی اعتراف گردیده‌اند.

نبوغ فکری و مقام عالی میر سید علی همدانی در بین هندوان برای ایجاد محبت افزون مردم این سرزمین نقش مؤثر گذاشت که این درجه و مقام اخلاص ایشان در اکثر سرچشمه‌ها صریحا تأکید گردیده است. محض همین اخلاص‌مندی و محبت به‌شخصیت و اندیشه‌های امیرکبیر بود که مردم کشمیر این نام‌آور عالم عرفان را در همه دوره‌ها به‌حیث شخصیت بی‌نظیر و مربی خویش شناخته، او را در مقام بلند مبلغ فرهنگ اسلامی و مروج زبان و ادبیات فارسی برداشته‌اند. مؤلفان «تاریخ فرشته»، «سفینه‌الاولیا»، «تاریخ اعظمی» و غیره نسبت به‌شخصیت میر سید علی همدانی ارادت تمام داشتن خرد و بزرگ کشمیر را به‌طور واضح تأکید نموده‌اند. برابر این اکرام و بزرگداشت کشمیریان او را همچون حضرت شاه همدان نام می‌بردند، از رباعی زیرین که در پیشطاق بنای خانقاه او در سرینگر نوشته شده است، می‌توان معرفت پیدا کرد:

هر فیض که در سابقه هر دو جهان است در پیروی حضرت شاه همدان است
 شاه همدان، آن که شهنشاه جهان است ای خاک بر آن دیده که در ریب چنان است
 پس از صدها سال محمد اقبال لاهوری در «جاویدنامه» خود این عارف نامور و
 شاعر والاگهر را با کمال احترام چنین ستایش کرده است:

سیدالستادات سالار عجم دست او معمار تقدیر امم
 مرشد آن کشور مینونظیر میر و درویش و سلاطین را مشیر
 خطه را آن شاه دریا آستین داد علم و صنعت و تهذیب و دین
 (۱۰، ص ۲۱۷)

دانشمند ایرانی محمد حسین تسبیحی ارادت مردم کشمیر و ماورای آن را
 به شخصیت و اندیشه امیرکبیر در قالب شعر این گونه افاده کرده است:

ای علی، ای سید کشمیریان سیدالستادات پاکستانیان
 ای امیر کشور عرفان و عشق گلشن پاک تو از ایرانیان
 کاروان عاشقان گشته روان سوی کشمیر آمدند از ختلان
 مردم کشمیر و پاکستان همه دل سپرده در رهت پیر و جوان
 (۲۳، ص ۲۰)

از تأکید محمد حسین تسبیحی هم وجوه مهم تقویت ارتباط ختلان و هند قرار گرفتن
 میر سید علی همدانی روشن می‌گردد.

بنا به معلومات خواجه اعظم دیده‌مری پس از درگذشت میر سید علی همدانی
 به جهت دفن او نزاع شد و هر طایفه‌ای به جانب خود می‌خواست. چون میر سید علی
 همدانی در پاخلی وفات کرد، این خبر به زودی به کشمیر رسید و نمایندگان سلطان
 قطب‌الدین برای آوردن نعشش به کشمیر به آنجا فرستاده شدند. حاکم پاخلی می‌خواست
 که علی همدانی در ولایت او مدفون گردد. مقابل این گروهها همراهان و مریدان
 ختلانی او می‌گفتند که مطابق وصیت میر سید علی همدانی نعشش را به ختلان می‌بریم.
 بعد جنازه شیخ قوام‌الدین بدخشی که از مریدان خاص او بود، گفت: «هرکسی یا هر
 گروه که تابوت مبارک را بردارد، می‌تواند آن را در جایی که می‌خواهد، دفن کند».
 هرکدام سعی کرده بودند و کسی نتوانست برداشت، مگر شیخ قوام‌الدین که تنها آزادانه

برداشت. از این کرامت همه در حیرت گردیدند و مریدان ختلائی او را اجازت دادند که نعلش میر سید علی همدانی را به ختلان ببرند. (۲۵، ص ۸-۳۷)

گسترش زبان فارسی و تجلی وی آنچنان به پایة بلندی رسید که حتی پندیهایی کشمیر آن را چون زبان علمی و ادبی اختیار نمودند و بعضی کتب دینی خود را هم به زبان فارسی می‌نوشتند.

در تمام دوره‌ها اعتقاد قوی میان اهل فضل و عرفان و علم و ادب کشمیر، محبت و صداقت نسبت به امیرکبیر پا برجا ماند. از این جهت، چنان‌که تأکید شد، یکی از عامل‌های اساسی مسافرت شیخ یعقوب صرفی کشمیری به ختلان خیال زیارت مزار این بزرگوار بود. لازم به تأکید است که صرفی محبت خویش را به این مرد عارف بارها در آثارش اظهار نموده است. او در

همهٔ مثنوی‌هایش بعد از حمد خداوند و نعت رسول اکرم^(ص) در منقبت امیرکبیر اشعار سروده است که این نکته از محبت بزرگ وی نسبت به این شخصیت منیر قلمرو عرفان خبر می‌دهد. پس، اگر مسافرت صرفی به ختلان، از یکطرف دلیل ارادت او به میر سید علی همدانی باشد، از سوی دیگر بازگوی آن است که در مسیر تاریخ ادیبان فارسی زبان به وسیلهٔ همین‌گونه پیوندهای معنوی و روابط ادبی توانستند که نه تنها ادبیات و زبان و فرهنگ فارسی را انتشار بخشند، بلکه محفوظ نگاه داشته، در برابر آن توسعه بخشند.

با نتیجه‌گیری از عوامل رشد فرهنگ اسلامی و زبان و ادبیات فارسی در سرزمین هند این امر مسلم است که مسافرت میر سید علی همدانی در سرخط وجوه این پیشرفت‌ها قرار دارد. زیرا در نیمهٔ اوّل عصر ۱۴ میر سید علی همدانی که ترویج و گسترش کامل دین اسلام در کشمیر محض با نام او مربوط است، همچون ستارهٔ درخشان در افق این سرزمین تجلی کرد. این شخص در تفکر مردم کشمیر گردش کلی به وجود آورد. محض با نفوذ تبلیغ و راهبری او هزارها تن از کشمیریان به سعادت اسلام مشرف گردیدند و فرهنگ اسلامی و تفکر عرفانی به زودی در این قلمرو آنچنان وسعت پیدا کرد که هیچ یک گوشهٔ هند چنین با توسع دین اسلام را نپذیرفته است.

با نظر داشت تقریر این اعمال و دیگر کارهایی که میر سید علی همدانی در بنیاد مساجد و مدارس کرده‌اند، امکان می‌دهد نتیجه بگیریم که او در رواج اسلام و قبول آن در کشمیر و در برابر آن، در گسترش زبان و ادب فارسی در این سرزمین خدمت‌های شایسته‌ای به‌انجام رسانیده، در افق تفکر اهل ادب و عرفان پهنای تمدن فارسی اسلامی همچون خورشید پرانوار فروغ ابدیت بخشیده است. در کنار این با حضور مبارک خود به‌ایجاد روابط ادبی ادیبان هر دو منطقه - هند و ختلان - اساس گذاشته است. منبع در ادوار مابعد وی، مسافرتها به سمت ختلان، بیش از همه، به‌هستی منور مزار مقدس این عارف نام‌آور در شهر کولاب که به‌زیارتگاه اهل دل تبدیل یافته است، تکیه می‌کند.

شایسته تأکید است که رابطه قوی میان ادیبان هند و ختلان که، پیش از همه، به‌ارادت و اخلاص شخصیت‌های معنوی، چون میر سید علی همدانی تکیه می‌کند، در دیگر دوران تاریخی نیز به‌شایستگی ادامه یافته و نه تنها صورت یک‌جانبه به‌خود گرفت، بلکه منبع سفر شاعران ختلان به‌هند نیز واقع افتاد. نمونه بارز این‌گونه مسافرت که سمت حرکت شاعران ختلان را به‌سوی هند باز نمود و ارتباط ادبی را تقویت بخشید، هجرت «حیات جان» نام شاعر است که متخلص به «باقی» بوده، با نام باقی کولابی مشهور است. نامبرده از شاعران صاحب استعداد عصر ۱۶ تاجیک محسوب می‌شود. در شهر کولاب به‌دنیا آمده، در جوانی شهرت دایره‌های ادبی هندوستان را شنیده است و در زمان جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه (۱۵۵۶-۱۶۰۵) به‌آنجا مسافرت انجام داده. از اخبار سرچشمه‌ها برمی‌آید که در هندوستان به‌ایجاد اشعار متنوع از نظر شکل و مضمون مشغول شده است. وی در دوره حکمرانی اکبر و هنگام شورش معصوم خان کابلی در سال ۱۵۷۹ م در جانپور گشته می‌شود. (نک: ۲، ص ۱۹۴)

شعرهای پراکنده باقی کولابی در تذکره‌ها و دیگر سرچشمه‌های تاریخی و ادبی وجود دارد اما تا سال ۱۹۲۷ م یگان اثر کلان حجم او در دسترس نبود. در این سال یکی از دانشمندان ممتاز هند به‌نام مولوی محمد شفیع در شهر لاهور در کتابخانه شخصی شهاب‌الدین نام عالم هند، قصه عشق شورانگیز «هیر و رانجه» سروده باقی کولابی را پیدا می‌کند. سال ۱۹۶۰ م دکتر محمد باقر که یکی از محققان نامی پاکستان

به‌شمار می‌آید، در لاهور با عنوان «قصه‌های پنجابی در زبان فارسی» کتابی را به‌طبع می‌رساند که در آن در خصوص مندرجهٔ مثنوی «هیر و رانجهه» باقی کولابی نیز اطلاع رفته است که بین سالهای ۱۵۷۵-۱۵۷۹ م تألیف شده است. (۴، ص ۵۵-۳۶)

بازنگری به‌سیر تاریخی روابط ادبی ختلان و هند از آن خبر می‌دهد که پیوند ادبی این دو منطقه سابقهٔ قدیمهٔ تاریخی دارد و برای گسترش و رواج آن سهم عارف کامل و نام‌آور میر سید علی همدانی خیلی بزرگ است.

همین‌طور، مسافرت شاعر باقی کولابی به‌سرزمین هند، از یک‌طرف اگر به‌رونق ارتباط ادبی این دو سرزمین اشارت کند، از نظر دیگر به‌شهرت و مقام ادب‌پروری امیران و شاهان هند در سراسر پهنای کشورها تکیه می‌کند که در زمینهٔ آن شاعر به‌این سرزمین رفته، از محیط پرقوت ادبی آن برخوردار

شده، به‌ایجاد مثنوی بزرگی موفق می‌گردد. هرچند دربارهٔ زندگی و روزگار باقی کولابی مطالب زیادی در دست نداریم، ولی زندگی و آثار دسترس شدهٔ وی به‌یک صحیفهٔ پربار روابط ادبی هند و ختلان اشارت می‌کند.

وجه دیگر گسترش روابط ادبی در استقبال ادبی به‌ظهور می‌رسد. مسلم است که ادبیات فارسی‌زبان هند در عصرهای ۱۶ و ۱۷ م به‌بعد در منطقه‌های فارسی‌زبان شهرت تمام داشت. به‌خصوص، نبوغ فکری و ادبی بیدل سراسر این مناطق را تسخیر کرده و به‌ایجاد مکتب‌های نیرومند پیروان آن باعث گردیده بود. از این رو، از معلومات سرچشمه‌ها برمی‌آید که ادیبان ختلان نیز از فیض انوار اشعار و اندیشهٔ بیدل بهرهٔ افزون دریافتند و شایان تأکید است که حاجی حسین کنگرتی ختلانی یگانه کسی است که بر مبنای داستان «کامدی و مدن» میرزا عبدالقادر بیدل با همین نام داستان آفریده است. با وجود آن‌که مأخذ اساسی داستان حاجی حسین اثر بیدل بوده است، اما موصوف توانسته است که در پرتو اندیشه‌های میرزا بیدل به‌آفریدن یک اثر مستقل و مکملی موفق شود که در آن نظر و دید و اندیشهٔ مستقل مؤلف آن آشکار است. این شاعر هنرمند مخصوصاً در تصویر منظره‌های طبیعت دیار خویش مهارت بیشتر نشان داده است که این امر وجه مهم در فرقیّت محتوای داستان‌های هردو شاعر محسوب می‌شود.

از نظر دیگر، داستان حاجی حسین با سادگی زبان و اسلوب تصویرها و فراگیری موضوع‌های محلی نیز از داستان بیدل که بیشتر به پیچیده‌گویی و ابهام تکیه می‌کند، فرق دارد. به‌عبارت دیگر حاجی حسین کوشیده است که روش مشکل‌بیانی بیدل را در سبک نگارش خود ادامه ندهد و بیشتر به سادگی زبان و بیان ره بگیرد.

در مجموع، بازنگری به سیر تاریخی روابط ادبی ختلان و هند از آن‌خبر می‌دهد که پیوند ادبی این دو منطقه سابقه قدیمه تاریخی دارد و برای گسترش و رواج آن سهم عارف کامل و نام‌آور میر سید علی همدانی خیلی بزرگ است. اگر از نظر اول امیرکبیر در ضمن انجام مسافرت به هند و ترغیب و تشویق فرهنگ اسلامی و زبان و ادبیات فارسی راه این ارتباط را باز کرده باشد، وجود مدفن این بزرگوار در ختلان و محل زیارت اهل دل قرارگرفتن آن مکان صف‌زایرین مقبره ایشان را از دایره‌های ادبی و علمی و عرفانی افزون گردانیده که صرفی کشمیری از زمره آنهاست. تقویت این روابط در زمینه ارادت و اخلاص به شخصیت‌های معنوی سمت دیگر رواج مناسبت‌ها و به‌سوی هند حرکت کردن اهل ادب ختلان را نیز در پی آورد که حاصل آن گسترش پیوند ادبی هر دو منطقه گردید.

پی‌نوشت

۱. عبدالله، سید. ادبیات فارسی در میان هندوان، ترجمه دکتر محمد اسلم خان، تهران، ۱۳۷۱ خورشیدی، ۲۸۳ ص.
۲. عبدالقادر بداونی. منتخب‌التواریخ. ج ۳، کلکته، ۱۸۶۹ م، ۳۱۱ ص.
۳. اشرفین ک. ز. فتودالیزم و اندی. مسکو: نوکه، ۱۹۷۷ م، ۲۳۸ ص.
۴. باقر، محمد. پنجبی قصی فرسی زبان مین (قصه‌های پنجابی به‌زبان فارسی)، مجلد دوم، لاهور، ۱۹۶۰ م، ۹۷ ص.
۵. وانینه ا. یو. فرهنگ خوبکارکنی عصرهای میانه در هند. ۱۹۹۱ م، ۲۲۴ ص. (به‌زبان روسی)
۶. غفّاراف ا. محمد اقبال. دوشنبه: دانش، ۱۹۷۷ م، ۲۲۱ ص.
۷. داراشکوه، محمد. سفینه‌الاولیا، کانپور، ۱۹۸۲ م.
۸. درخشان، مهدی. بزرگان و سخن‌سرایان همدان. تهران، ۱۳۴۱ خورشیدی، ج ۲، ۴۳۸ ص.

۹. عرفانی، خواجه عبدالحمید. *ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر*. تهران، ۱۳۳۵ خورشیدی، ۱۹۰ ص.
۱۰. اقبال، محمد. *پیغام شرق، مرتب ا. غفار او، دوشنبه: ادیب، ۱۹۸۷ م، ۳۲۰ ص.*
۱۱. لویا ب. ن. *تاریخ فرهنگ هند از دوران قدیم تا زمان ما*. ترجمه مختصر از انگلیسی از و تیورینا. مسکو. ۱۹۶۰ م. ۵۶۶ ص. (به‌زبان روسی)
۱۲. نفیسی، سعید. *تاریخ نظم و نثر زبان فارسی*. ایران، ۱۳۳۴ خورشیدی، ج ۱ و ۲.
۱۳. جواهر لعل نهرو. *گشاش هند*. ترجمه از انگلیسی از و. اساکوویچ. ای. س. کونینای و و. ن. پاولاوه. ماسکو. ۱۹۸۹ م. کتاب اول ۴۶۰ ص. (به‌زبان روسی)
۱۴. راشدی، سید حسام‌الدین. *تذکره شعرای کشمیر*. کراچی، ۱۹۶۸ م. ۵۱۷-۱۰۴۳.
۱۵. ریاض، محمد. *احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، تهیه احمداف ص. و سلطان‌اف م. دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۵ م. ۲۴۸ ص.*
۱۶. ریاض، محمد. *فارسی‌سرایان کشمیر در دوره پیش از تیموریان «هلال»*. ۱۹۷۲ م. شماره ۲. ص ۵۱-۵۵.
۱۷. سعادت، مفتی محمدشاه. *بلبل شاه صاحب*. سرینگر، ۱۳۶۰.
۱۸. سروری، عبدالقادر. *کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ*. سرینگر، ۱۹۶۸ م، ۳۵۰ ص.
۱۹. سرب ریوکاف ا. د. *رمنادبی در هند*. (قرون هفت و هشت) ماسکو، انتشارات علم، ۱۹۷۹ م، ۱۶۰ ص (به‌زبان روسی).
۲۰. سرب ریوکاف ا. *آثار کشمیر با زبان سانسکریت در عصر هفت و سیزده*. ماسکو. ۱۹۸۲ م. ۱۴۹ ص (به‌زبان روسی)
۲۱. سرب ریوکاف ا. *ادبیات خلق‌های هند*. مسکو. انتشارات مکتب عالی. ۱۹۸۵ م. ۳۰۴ ص. (به‌زبان روسی)
۲۲. سالار عجم، تهیه و سرسخن ماهرخوجه سلطانزاده. *دوشنبه: پیوند، ۱۹۸۵ م. ۸۱ ص.*
۲۳. سلطانزاده، ماهرخواجه. *سرسخن، میر سید علی همدانی شاه همدان*. آثار منتخب، دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۴ م. ج ۱، س ۴۱-۵.
۲۴. خواجه اعظم دیده‌مری. *تاریخ اعظمی*. سرینگر، ۱۸۸۶ م.
۲۵. حسن، پیر غلام. *تاریخ کشمیر*. سرینگر، ۱۹۶۰ م. ج ۲.
26. Hasan, Mohibbul. *Kahsmir under the Sultans*. Calcutta, 1959.
27. Hollister, John Norman. *The Shi'a of India*. London, 1953. p.440.

-
28. Parmu R.K. *A History of Muslim Rule in Kahsmir*. Dehli, Ahmadabad, Bombay, 1969.
 29. Smith V.A. *The Oxford History of India*. Oxford, 1964. p.899.
 30. Tikku, G.L. *Persian Poetry in Kahsmir (1339–1846)*. Berkelly, Los Angeles, 1971. p.321.